

درد سی‌امین سالروز وقوع بدترین جنایت جنگی اروپا در سربرنیتسا، جهان همچنان نسل‌کشی را در گوشه دیگری از دنیا به‌نظاره می‌نشیند

در دهه ۱۹۹۰، نقشه سیاسی اروپا با یکی از بزرگ‌ترین تغییرات پس از جنگ جهانی دوم مواجه شد: فروپاشی یوگسلاوی. این کشور چندقومیتی و چنددینی، پس از مرگ ژوزف بروز تیتو، دیکتاتور کربیزماتیک‌اش، وارد دوره‌ای از بی‌ثباتی سیاسی، تنش‌های قومی و بحران‌های اقتصادی شد. با آغاز روند استقلال‌طلبی در جمهوری‌های مختلف، موجی از ملی‌گرایی افراطی در سراسر منطقه به‌راه افتاد و این باروت ۱۹۹۲، به سرعت به آتش‌سوزی‌های گسترده تبدیل شد. در سال ۱۹۹۸، یوسنی و هرزگوین، کشوری با بافت جمعیتی متشکل از مسلمانان بوسنیایی، صرب‌ها و کروات‌ها، با رأی‌گیری مردمی اعلام استقلال کرد. این اقدام خشم صرب‌های بوسنی و حامیان‌شان در بلگراد، پایتخت صربستان را برانگیخت. به‌زودی ارتش صرب بوسنی، با پشتیبانی دولت اسلووان میلوشویچ، رئیس‌جمهور وقت صربستان، جنگی خونین را علیه دولت مرکزی بوسنی آغاز کرد. هدف صرب‌ها روشن بود. پاک‌سازی قومی مناطق با اکثریت مسلمان و الحاق آن‌ها به سرزمین‌های صرب‌نشین. این استراتژی، با محاصره شهرها، گرسنگی دادن به غیرنظامیان، تجاوزهای سازمان‌یافته و قتل‌های گسترده همراه شد. در این میان، شهر کوچک سر برنیسار در شرق بوسنی که تحت محاصره قرار داشت اما به عنوان (منطقه‌ای) سازمان ملل شناخته می‌شد، به یکی از نمادهای ترازوی بوسنی بدل شد، ترازوی‌ای که اوج وحشت آن، در تابستان ۱۹۹۵، هنوز هم در خاطره جهان زنده مانده است.

روز ۱۹۹۵، شهر سر برنیتسا، تحت کنترل نیروهای حافظ صلح سازمان ملل و اعلام شده به عنوان «منطقه امن» برای غیر نظامیان مسلمان، توسط ارتش صرب بوسنی هدف حمله قرار گرفت. در آن زمان حدود ۳۷۰ نفر نیروی حافظ صلح هلندی (وینپرفور) حفاظت منطقه امن را بر عهده داشتند و این حمله در شرایطی رخ داد که هزاران نفر از مسلمانان سربوسنیایی، از جمله زنان، کودکان و پویش و پویش پسران جوان، در این منطقه پناه گرفته بودند؛ به این امید که حمایت نیروهای بین المللی مانع از کشتار باشند. در تاریخ ۱۱ ژوئیه، ملائیم با بلند آمدن سر برنیتسا شد، برای کودکان شیرینی و دود و مقابل دور بین ها و عده امنیت داد. اما آنها در عرض چند روز، نزدیک به ۸۳۷۲ مرد پسر مسلمان (آمار رسمی دولت بوسنی) از خانواده هایشان جدا شده، به طور سیستماتیک وارد گاه ها منتقل و سپس در جنگ ها و انبار ها و نور های دسته جمعی تیر باران شدند. کشتار با دقت، نامهربانی و با کمک لجستیک صورت گرفت. اتوبوس های ای انتقال، بولدوزر ها برای دفن دسته جمعی و حتی تلاش برای مخفی کردن آثار جنایت از طریق نشخوار جابه جایی اجساد انجام شد. سباده گور های دسته جمعی منتقل و سپس برای پنهان کردن مدارک، بارها در غی می شدند؛ متأسفانه هنوز هم همچنان روند شناسایی بقایای جساد از گور های جمعی ادامه دارد.

فاجعه سر برنیتسا اگر چه در برابر دیدگان جهانیان رخ داد، اما واکنش‌های بین‌المللی در زمان وقوع آن، با تأخیر و تناقض همراه بود. نیروهای حافظ صلح هندی سازمان ملل که مسئولیت تأمین امنیت «منطقه امن» را بر عهده داشتند، نتوانستند یا نخواستند در برابر پیشروی نیروهای صرب ایستادگی کنند. این ناکامی، بعدها به نمادی از شکست جامعه بین‌المللی در جلوگیری از نسل‌کشی تبدیل شد. سه دادگاه بین‌المللی ICTY در ۲۰۰۴ و دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، در سال ۲۰۰۷ با استفاده به اسناد و شواهد، نسل‌کشی بودن قتل عام را تأیید کردند و راتکو ملاد و وراوان کارا اذ بیچ به حبس ابد محکوم شدند. کوفی عنان، دبیر کل سابق سازمان ملل هم، بعدها گفت: «فاجعه سر برنیتسا تا ابد بر تاریخ سازمان ملل سایه خواهد افکند.» ۵ ژوئیه ۲۰۲۴، مجمع عمومی سازمان ملل تصمیم به برقرار کردن روز جهانی تأمل و گرامی داشت این ماجرا گرفت؛ قطعنامه ۸۴ رای مثبت از جمله ایران و آلمان، ۱۹ رای مخالف (از جمله صربستان و روسیه) و ۶۸ رأی ممتنع به تصویب رسید. جمهوری اسلامی ایران، از نخستین کشورهایی بود که کشتار مسلمانان در بوسنی را محکوم کرد. ایران با اعزام کمک‌های بشردوستانه، ایجاد کمپ‌های آوارگان و حمایت سیاسی از دولت بوسنی، تلاش کرد نقش فعالی در حمایت از مسلمانان منطقه ایفا کند.

روشن است آن چه در سر بر نیتسارخ داد، یک قتل عام معمولی نبود، بلکه جانیاتی با ابعاد وسیع، بی رحمانه و هدفمند بود که مفهوم «نسل کشی» را به ذهن متبادر و در حقوق بین الملل بازتعریف می کند. بر اساس کنوانسیون ۱۹۴۸ سازمان ملل، هرگونه اقدام هدفمند برای نابودی کامل یا بخشی از یک گروه براساس هویت، نژاد، ملیت یا تعلق می کشد. کشتار ۸۳۷ هزار یهودی و مسلمان، اخراج آنان و تلاش برای پاک سازی قومی، دقیقاً مصداق این تعریف بود. سال ها بعد از قتل عام سر بر نیتسا، باز هم در سکوت جامعه جهانی، این بار نسل کشی در غزه قربانی می گیرد و جامعه بین المللی در ماموریت خود برای محافظت از غیر نظامیان و پاسخگو کردن عاملان جنایت با شکست مواجه شده است. امروز سر بر نیتسا فقط یک پرده در تاریخ نیست، یادآوری از است از نفواتی، نژادپرستی و بی عملی مجامع جهانی. ما در مادران پویتیایی، در گسترای «پوتو چاری» در کنار گورهای فرزندان شان اشک می ریزند و بدان چنان، هر سال در ژوئیه، دوباره در برابر این تراژدی محاکمه می شود.

